

همه راه‌ها به سکولاریسم ختم می‌شود

روآ اسلام سیاسی را پدیده‌ای مدرن می‌داند که هم با بنیادگرایی سنتی متفاوت است و هم با نو بنیادگرایی معاصر؛ اما تحلیل او تا چه اندازه مبتنی بر مطالعه متون دست اول است؟ و آیا پیش بینی او از آینده اسلام سیاسی به وقوع پیوسته است؟



محمد علی توانا

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز

سنتی»، «اسلام گرایی سیاسی» و «بنیادگرایی جدید». بنیادگرایی سنتی به دنبال اسلامی سازی جامعه از طریق پیاده سازی شریعت در جامعه، به ویژه از طریق اجرای قوانین اسلامی است. اسلام گرایی سیاسی نه تنها به دنبال اسلامی ساختن جامعه از طریق مبارزه سیاسی و انقلاب؛ بلکه درصدد مبارزه با دال کفر نیز هست. اما بنیادگرایی جدید، به معنای اسلامی سازی روابط اجتماعی، به ویژه در حوزه خانواده، برای مثال از طریق محدود سازی حیطه فعالیت زن به عرصه خصوصی، عمل می‌کند؛ بدون آنکه توجه خود را به نظام سیاسی اقتصادی معطوف نماید. از نظر روآ انقلاب اسلامی ایران، نمونه‌ای از اسلام سیاسی است که در عمل، قدرت دولتی را در اختیار گرفت.

روآ اسلام سیاسی را حاصل مدرنیزاسیون در جوامع مسلمان می‌داند و معتقد است بدون مدرنیزاسیون، همچنان تفسیر سنتی از اسلام در جوامع مسلمان غلبه داشت. از منظر روآ نگرش سنتی قادر نبوده است که اسلام را به یک ایدئولوژی تبدیل کند و صرفاً مدرنیزاسیون چنین قابلیت را در اختیار اسلام قرار می‌دهد؛ زیرا از یک سو با تأسیس مفاهیمی جدید همچون حق تعیین سرنوشت و انسان صاحب اراده؛ و از سوی دیگر تأسیس طبقات جدید و جامعه مدنی مستقل از اقتدار دولتی، امکان نگرش جدیدی از اسلام را به دست می‌دهد که آن را تا مرتبه یک ایدئولوژی سیاسی ارتقا می‌دهد. از منظر روآ در فرایند تحول جوامع اسلامی به سوی مدرنیزاسیون غربی، این جوامع با بحران‌های اقتصادی سیاسی مواجه می‌شوند و به تبع آن، جریان‌های اعتراضی مثل اسلام سیاسی در این جوامع ظهور می‌یابند.

اسلام سیاسی در ساده‌ترین معنا، درهم آمیختگی اسلام و سیاست است؛ اما به صورت تخصصی، اسلام سیاسی، بدین معناست که سیاست، مهم‌ترین و محورترین مفهوم اسلام است. به تعبیر دیگر در اسلام سیاسی، هویت سیاسی مهم‌ترین وجه یک مسلمان؛ و تأسیس دولت اسلامی، مهم‌ترین هدف اسلام‌گرایان است. درباره تاریخ پیدایش اسلام سیاسی سه دیدگاه وجود دارد: دیدگاه سنتی، مدرن و پسامدرن. بر اساس دیدگاه سنتی، ریشه اسلام سیاسی به قدمت خود اسلام است و از همان ابتدا مسلمانان درصدد تأسیس دولت دینی بوده‌اند تا بتوانند شریعت و عدالت را برپا کنند. برای مثال هرابرد کمجیان از این دیدگاه حمایت می‌کند.

بر اساس دیدگاه مدرن، اسلام سیاسی محصول مدرنیته است؛ یعنی شکل‌گیری پدیده استعمار از یک سو و تحول در جوامع مسلمان، از جمله گروه‌های جدید همانند دانشجویان از سوی دیگر، عامل اصلی شکل‌گیری اسلام سیاسی است. اولیویه روآ طرفدار این دیدگاه است. نهایتاً بر اساس دیدگاه سوم، اسلام سیاسی، عکس‌العملی در برابر جهانی شدن نظام لیبرال دموکراسی است. از این منظر فشارهای جهانی شدن سبب به حاشیه رفتن هویت مسلمانان شده است و آنها برای پاسداری از ارزش‌های خود در مقابل این فشارها مقاومت سیاسی می‌کنند. به تعبیر دیگر ناخشنودی مسلمانان از رفتارها و اندیشه‌های تحقیرآمیز غربی، مهم‌ترین دلایل پاگرفتن اسلام سیاسی است. بابی سعید از طرفداران این دیدگاه است.

این نوشتار دیدگاه الیویه روآ درباره اسلام سیاسی را بررسی می‌کند. روآ سه نوع اسلام‌گرایی را از هم متمایز می‌سازد؛ «بنیادگرایی